

1. An introduction to the Manuscript: *Tareekh-e-Mohtashim*

Alavi Zunnoorain Haider

Asst.Professor-Dept.of Persian

Mumtaz P.G.College

University of Lucknow, India

Associate Editor

Persian language and literature

SOCRATES

Editor-in-Chief: TASFIAH

ISSN 2347-7938 (Print)

E-Mail: zunnoorain786@gmail.com

Phone no. +91-9307025800

ORCID iD: <http://orcid.org/0000-0001-7604-5510>

URL: <http://www.tasfiah.com>

Abstract

Awadh in terms of its important role in the fields of history, literature, culture and civilization of India is considered among the most important areas of the vast country. In the second decade of the eighteenth century person named Burhan Sadat Ali Khan, the Mughal king then India, to suppress the rebels was dispatched to the area. The author in this paper has introduced the historical events that took place in that era, and are discussed in this manuscript.

Keywords

History of Awadh, Mohtashim Khan, Nawabeen-e- Awadh, Uttar Pradesh

Vol. 4 No. 2 (2016)

Issue- June

ISSN 2347-6869 (E) & ISSN 2347-2146 (P)

An introduction to the Manuscript: Tareekh-e-Mohtashim by Zunnoorain Haider, A. Page no. 1-14



An introduction to the Manuscript: *Tareekh-e-Mohtashim*

چکیده:

منطقه اوده از نظر نقش مهم خود در زمینه های تاریخ، ادب، فرهنگ و تمدن جزء مهمترین مناطق کشور پهناور هند بحساب می آید. این منطقه در شمال هند و در زمان حاضر بخش عمده آن را ایالت اترپرداش تشکیل می دهد. در دهه دوم قرن هجدهم میلادی شخصی بنام برهان الملک سعادت علی خان، از طرف پادشاه مغول آن زمان هند، برای سرکوبی یاغیان سادات بارهه به این منطقه اعزام شد که سلسله نوابین اوده را در این مرزو بوم تاسیس نمود. برهان الملک ایران الاصل بوده و با زبان و ادب فارسی و هنرهای ظریفه علاقه طبیعی داشت و در نتیجه منطقه اوده بزودی به یک مرکز بزرگ علمی، ادبی و فرهنگی مبدل گردید. بخاطر قدردانی و سرپرستی نوابین اوده، شاعران از نقاط مختلف به این منطقه روی آورده و بعد از دهلی به مرکز بزرگ علمی و فرهنگی کشور مبدل گردانیدند. یک ویژگی مهم دیگر این منطقه شیعی مذهب بودن سلسله نوابین اوده است چون بعد از دکن این تنها سلسله حکومت شیعی در هند است و تاثیرات آداب و رسوم و عقاید و مراسم این فرقه را در آثار ادبی و فرهنگی منعکس می سازد و مطالعه این آثار را بعنوان منابع متفاوت برای پژوهشگران رشته های فرهنگی و ادبی ناگزیر می سازد. در مورد اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دودمان سلسله اوده کتابهای زیادی نگاشته شده اما بیشتر این تاریخها عمومی و کلی است و تنها تعداد کمی از تاریخ نگاران وقایع تاریخی یک حاکم خاص را مورد بحث قرار داده اند. محترم خان نیز بخاطر گماشته شدن از جانب حاکمان انگلیسی برای ضبط وقایع تاریخی دوره نصیر الدین حیدر که هشتمین حاکم سلسله نوابین اوده است، تاریخ خود را از احوال برهان الملک سعادت علی خان شروع نموده و تا دوره نصیر الدین حیدر ذکر نموده است اما قسمت مهم این تاریخ دوره نصیر الدین حیدر است چون مولف در این قسمت تنها وقایع چشم دید خود را جا داده است. بخاطر حضور داشتن مصنف در دوران رخدادهای تاریخی این اثر از اهمیت چندانی برخوردار است.

کلید واژه: تاریخ، اترپرداش، وقایع نویسی، نوابان ایالت اوده، مهتم خان.

مقدمه

در نوشته های تاریخی و ادبی (تذکره ها...و غیره) در دست ما، درباره ی زیست نامه ی محمد محتشم خان و درباره آثارش علاوه به یک اثر بنام "تاریخ محتشم" یا "محتشم خانی" چندین اطلاع به دست نمی آید که مبنای سر گذشت وی باشد، اما در نوشته های تاریخی درباره ی وی این قدر نوشته اند که او یکی از فرزندان ارجمند محبت خان پسر حافظ رحمت خان بود و پدرش (محبت خان) به عنوان یک شاعر و نویسنده ی برجسته ی فارسی، اردو و پشتو در روزگار خود شهرت داشت، هم چنین پدر بزرگش (حافظ رحمت خان) که از خانواده ی افغان بوده، و بر مبنای جایگاه سیاسی و فعالیت خود، در آثار تاریخی به عنوان یک سلحشور نیرومند، سربراه و نماینده ی حکومت رو هیله نام آور بود، همین طور وی یک شخصیت، دینی، سیاسی و ادبی نیز معروف بود. در زیر تاریخچه ی نیاکان و شخصیت مورد نظر (محتشم خان) بر طبق اطلاعات به جاء مانده ای را در ضمن زیست نامه اش می آوریم و درباره ی موضوعات و مزایای کتاب نامبرده را مطرح می کنیم تا هدف اصلی مورد نظر حاصل شود.

اطلاعات درباره ی محتشم خان تا جای که سعی نمودیم متأسفانه نتوانستیم در کتب تاریخی و تذکره ها (مشمول به آن کتاب و مقاله های که درباره ی اولاد حافظ رحمت خان و پسرش (محبت خان) نگاشته شده و در دسترس بنده بوده) بدست آوریم. منتهی اطلاعات شخصی در مورد خود و خویشاوندان که در کتاب تاریخ محتشم جا بجا به چشم می خورد هم به شکل زندگی نامه نیست، (یعنی هنگام طفلی، روزگار جوانی و احوال پیری نویسنده در نیامده است) فقط در ضمن نشانگرای وقایع صحیحه در مورد پدر و خانواده که علی الرغم نویسندگان دیگر در آثار خود ذکر نموده این چنین اطلاعی به نظر می آید که مبنی بر انگیزه ای راجع به زندگی نویسنده می توان گفت. مثلاً:

1) بعد کشته شدن حافظ رحمت محبت خان با همگی اولاد و خویشاوندانش کجا رفت؟

2) در آن زمان وضع زندگیش چطور بوده و چه سختی ها و روزگار نامساعد را دید؟

3) از طرف دولت چه کمک های مالی به این خانواده رسید و اولاد حافظ رحمت خان در آن زمان چطور زندگی می کرد؟

4) خود نویسنده (محتشم خان) بعد معافی گرفتن از طرف انگلیس ها چطور به دولت انگلیس در شهر لکهنو پیوسته و به عنوان وقایع نویس کار را آغاز کرد؟

البته بعد پی گیری مطالب در مورد نظر پدید می آید که او با دولت ارتباط خوبی داشت. یک جا در کتاب خود می نویسد:

"مولف هم در عهد شان بعد از رحلت والد خود صاحب دربار رسیدنسی گردید " اغلب کتاب تاریخی و تذکره ها درباره ی ازدواج و فرزندان و همسر چیزی نه نوشته اند، حتی سال تولد و ارتحالش هم متاسفانه بدست ما نیست. البته در این کتاب در دو موارد ذکر فرزندانش را نموده است که از آن معلوم می شود که او دو تا پسر را داشت، یکی از آن در سن 12 سالگی فوت گردید، می گوید:

و نیز پسر دوازده ساله مولف بلبل هزار داستان خوش بیانی و کل انهار آغاز جوانی شکفته روی خنده پیشانی به گلزار رضوانی رو کشاد و لاله دار داغ حسرت به دل مادر و پدر نهاد (250ب)

(287الف) پادری صاحب معه هفت نفر انگریزان و روشن الدوله معه سبحان علی خان و فقیر محمد خان و مولوی خلیل الدین خان (کاکوروی) و مولوی غلام یحیی خان وغیره

به اسکول رسیدند سفیر از مولف پرسید که پسر شما آمده است عرض نمودم که حاضر است از لات پادری صاحب آن را نشان داده اظهار ساخت که این رئیس زاده از خاندان فلانی است انگریزی می خواند لات صاحب بسیار متوجه شده به زبان خود چیزی گفت که از فحوای کلام او مفهوم شد که بسیار مستحسن و مناسب است.

درباره آثار محتشم خان:

در آثار علمی وی فقط از یک کتاب تاریخی بنام تاریخ محتشم اثری پیدا نیست. چراکه در کتاب و مقاله های چاپی درباره اخلاف محبت خان نکات خاصی درباره ی تحصیلات و فعالیت علمی و فرهنگی اش را تذکر نیآورده اند لذا ما مجبور ایم که بر مبنای اخباری های فشرده تاریخ محتشم انگیزه ی چهار چوب زندگی اش را بکشیم. وقتی زبان، تبحر و دسترس های علمی محتشم را جستجو داریم تاریخ نامبرده به این زمینه فقط راهنما ما هست. ما می بینیم که او یک شخصیت علمی و ادبی بوده نیز دست گاهی به شعر گفتن داشته علاوه ازین هنر تاریخ گوی در فارسی و اردو و علاقه و دسترس به فارسی داشته همچنان با زبان عربی هم آشنائی داشته. مثلا در این کتاب الگوهای هنر تاریخ گوئی وجود دارند که دلیل شعر گوئی و علاقه مندی با این زمینه است، در آغاز کتاب تاریخ را نوشته است:

احوال شاه عادل دوران چو شدرقم	آمد پستند خاطر هر طبع پاکزاد
تاریخ او ز غیب به گوشم چنان رسید	ای محتشم به فکر تو صد رحمت خدا

1253 هجری

(تاریخ محتشم برگ 1، ص 2)

همین طور یک تاریخی اردو که به هنگام رحلت قدسیه بیگم گفت:

کیا گردش فلک ز
دیا
جس ک غم می

واز فنا سے اوسنے صد حیف کی ہے
 دستِ سخا سے جس کے، تھا کامیاب
 بے تاب و بیقراری با گریہ و آہ
 زاری
 ہر ایک میں نے پایا اوس دن بہ چشم پر نم
 پندہر وین پنج شنبہ ماہ ربیع
 الثانی
 سن یک ہزار و دو صد پنجاہ
 نہیں
 سال وفات اوس پر پوچھا تو بولا
کہ خلد کو سدھاری قدسیہ بانو
بیگم
 ہجری

تاریخ محتشم:

مولف این اثر تاریخ محتشم را درباره ی پایه گذار خاندان نواب اودہ، برهان الملک سعادت خان و پس از آن تا مرگ نصیر الدین نگاشت. او این اثر را می خواست در دو طبقہ تنظیم کند ولی آنچه بہ دست آمدہ طبقہ ی اول یا جلد یکم این کتاب است. طبقہ ی اول در 9 بخش تشکیل شدہ است کہ عبارت است (1) تاریخ اسلاف نصیر الدین حیدر، (2) تاریخ برهان الملک و پیروزی وی بر راجہ راؤ، (3) تاریخ صفدر جنگ و مبارزہ او با احمد خان، (4) در گذشت صفدر جنگ و حکومت شجاع الملک، (5) در گذشت شجاع الدولہ و حکومت نواب آصف الدولہ، (6) در گذشت مختار الدولہ، (7) سرگذشت سعادت علی خان، (8) درگذشت سعادت علی خان و آغاز جلوس پادشاهی غازی الدین حیدر (9) سر انجام جلوس نصیر الدین حیدر در سال 1827م است این فصل حاوی بر 10 سال حکومت دودمان نامبرده است. شیوہ ی نگارش این کتاب سادہ است و سعی نویسنده برآن است کہ اطلاعات چشم

خورده ای خود را در این کتاب جمع کند. علاوه بر این که این کتاب تاریخی است اما فعالیت های انگلیس بخاطر سلطه گرفتن در این ایالت را نیز دربر گرفته است. اینجا گفتنی است که بعضی وقایع تاریخی را که در کتاب های دیگر نوشته اند اختلاف نظر نویسنده بوده و خودش همه تفاوتها را در ذکر آورده و ادعا به حق گفتن داشته است. این امر به یک خاصیت کتاب دلالت می کند ازین سبب نویسنده های بعدی در جمع وقایع نصیر الدین حیدر حد اکثر از این کتاب استفاده کرده اند. در لابلای کتاب ما می بینیم که نویسنده اشعار را برای تثبیت و اسناد سخن های خود در متن بکار برده است. این امر علاقه مندی به شعر و ادب نویسنده را نشان می دهد.

مولف درباره اجداد خود می نگارد که بعد از شکست از ائتلاف پادشاه دهلی و نواب شجاع الدوله بهادر در روهیلکهند و کشته شدن جدش حافظ رحمت خان، مولف با خانواده خود به اسارت نواب در آمده و به لکهنو منتقل گردیدند. در زمان آصف الدوله جان برستو صاحب به عهده سفارت رسید که برای بزرگان مولف، تقرر مشاخره از سعی همان صاحب ممدوح گردید که هنوز یافته می آید و به عزت تمام از آن قوت لایموت اوقات بسر کرده می آیند.

احوال دوره حکومت نصیر الدین حیدر را با ذکر جلوسش بر تخت سلطنت به طور زیر شروع می کند. تذکره جلوس سلطنت نمودن نصیر الدین حیدر بهادر به غایت سرکار انگریز بهادر: بعده معتمدالدوله را حکم شد که تهیه سامان جلوس نمودند و خود به مقام صدر که عبارت از باره دری است و جلوس سلطنت آنجا نصب بود تشریف آورده تاج مرصع بر سر به جهت سلطنت تمکن فرمودند.

خطابی که از طرف انگلیسها به نصیر الدین حیدر اعطا شده بود را بطور جدا گانه در ضمن عنوان خطاب آورده چنین بیان می دارد:

خطاب: بادشاه جمجاه ابو النصر قطب الدین سلیمان جاه سلطان عادل نوشیروان
 زمان حضرت نصیرالدین حیدر بادشاه خلد الله ملکه. مولف می نویسد که بعد از تخت نشینی
 شاه برای هفت روز جشن برپا شد و پادشاه همراه با وزیران و افسران انگلیسی تمام هفت
 روز در مراسم مختلف شرکت جست.

شیوه نگارش نویسنده اثر:

الف- در این اثر اسلوب نوشتاری کاملاً ساده، بی تکلف و عاری از هرگونه پیچیده
 گویی و تصنع ورزی است اما در مواردی استفاده از کلمات وابسته با زبان و فرهنگ هند
 اصالت فارسی را از بین می برد:

"و آنچه مناسب دانستند به محمد قلی خان نوشتند محمد قلی خان چون به مطالعه
 خطوط اول از جا رفته بود قاصد این طرف شده نصف مسافت هم طی کرده بود معاودت به
 اله آباد خوب ندانست و آمدن خود را باین صورت شهرت داد که برای دیدن نواب شجاع
 الدوله می روم هرچند او بزعم خودش دفع دخل مردم کرد لکن زبان معترض بسته نمی
 شود."

ب- نثر در مواردی آهنگین و مقفع بوده و به روح و ذهن خواننده نفوذ میکند. آنجا
 که میگوید:

"نفسی چند بقای از عمر در حقیقت مثل حباب نفسی است واپسین و اقوال و
 کردار اهل زمانه حکایتی است رنگین..."

و آنچه سانحه که درین از منہ دراز از گردش فلک سفلہ پرداز به ظهور رسیده اند.....

(ص)

ج- رعایت نظم، اصول نوشتاری صحیح، اشاره به موضوعات بر اساس اهمیت هر یک بدون هرگونه تغرض و اعمال خود رأیی از ویژگی های ممتاز دیگر این اثر است.

د- در اکثر موارد نویسنده بر طرز قدیم از افعال لازم، متعدی ساخته است مثلاً:

"مالای مروارید و سپر و شمشیر و فیل پالکی و نوبت نقاره عنایت کنانیده ممتاز ساختند"

"اکنون شجاع الدوله ناموس افغانان را بدست مغلیه گرفتار کنانیده برباد و بی حرمت گرداند"

ه- در بعضی از موارد برای فعل استمراری بجای "می" از "ی" در آخر فعل استفاده کرده است مثلاً:

"نواب مظفر جنگ از نقود و اطمعه لذیذه لوازم مهمانداری آنچه بایستی و شایستی ادا کردی، هرروز بلا فصل سوار شده به خدمت حاضر شدی مختار الدوله را نیز در اوطاق رفته دیدی".

"مطلق العنان ساختند در کوچه و بازار بیک پرگاه محتاج بودند بهر جائیکه نشستندی باز طاقت برخواست ناوردندی"

گزارش نسخ

تاریخ محتشم به صورت سه نسخه های خطی موجود در کتاب خانه ها یک جلد است و نسخه های بشرح زیر در کتابخانه ها و موزه های مختلف نگهداری می شوند.

1- نسخه کتابخانه خدا بخش، کار تصحیح در دست بر اساس همین نسخه انجام گرفته است. این نسخه در کتابخانه خدا بخش، تحت شماره 605، نگهداری می شود. این نسخه به

خط نستعلیق است. متن این نسخه با مرکب سیاه و عناوین و مطالبهای مهم با شنگرف نوشته شده است. تعداد برگهایش 304 و تعداد سطرها 13 است و رکابه هم دارد. این نسخه سالم است و انجامه ای هم دارد که سال کتابت در آن ذکر شده است. صفحات نسخه هیچگونه تزیینات و جدول بندی ندارد.

آغاز: الحمد لله الملك القديم، المنان الکریم، الرؤف الرحیم، هو الاول والآخر والظاهر والباطن و هو به کل شیئ علیم، والصلاة علی خیر خلقه محمد الموصوف به اوصاف لولاک لما خلقت الافلاک وانک لعلی خلق عظیم، وعلی آله الطیبین واصحابه الصدیقین المتحلین به حلل الرضا والتسلیم. بعد **هذا** می گوید: فقیر حقیر اضعف عبادالله القوی الاکبر محمد محتشم خان بن نواب محبت خان بهادر شهباز جنگ خلف حافظ الملك حافظ رحمت خان بهادر نصر جنگ والی کتھرسردار قوم افغان من جهل بریج که چون مدت ایام جوانی در لھو و لعب و کامرانی گذرانید

انجام: نواب نصیر الدوله بهادر که به فرح بخش بودند طلب شده جلوس بر تخت سلطنت نمودند و نعش آن بادشاه مغفور به کمال بی سمانی به کربلای نو تعمیر مکارم نگر مدفون گردید. تمام شد طبقه ی اول تاریخ محتشم به تاریخ دوازدهم ماه مبارک رمضان 1271 هجری.

2. نسخه دانشگاه مولانا آزاد علیگره، این نسخه تلخیص تاریخ محتشم است و در بخش نسخ کتابخانه مزبور تحت شماره 597، نگهداری می شود. نسخه به خط نستعلیق و کاملاً خوانا است اما بعضی از صفحاتش بخاطر کرم خوردگی افتادگی متن دارد. این نسخه 149 برگ و 15 سطر دارد. نسخه سالم است و رکابه نیز دارد. کاتب یک انجامه مفصل نیز به نسخه اضافه نموده است.

آغاز: الحمد لله الملك القديم المنان الكريم الرؤف الرحيم، هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو به كل شى عليم، والصلوات على خير خلقه محمداً الموصوف باوصاف لولاك لما خلقت الافلاك و انك على خلق عظيم و على الله الطيبين و اصحابه الصديقين المخلصين بحلل الرضا و بحلل الرضا و التسليم بعد هذا مى گوید فقير حقير اضعف العباد الله القوى الاكبر محمد محتشم خان ابن نواب محبت خان بهادر شهباز جنگ خلف الصدق حافظ الملك حافظ رحمت خان.

انجام: نعيش آن پادشاه مغفور به كمال بى سامانى كه فسادت قلبى جمهور توان فهميد به كربلاى نو تعمير مكارم نگر مدفون گرديد

انجامه: فقط تمام شد كار من نظام شد بتاريخ هفتم شهر صفر المظفر 1255 هجرى مطابق 1246 فصلى متى جيته بهى جوتہ يوم پنجشنبه بوقت سه پهر به مقام لاهرپور متعلقه سرکار خير آباد باتمام رسيد كتاب تواريخ عهد خجسته مهد حضرت نصير الدين حيدر بادشاه مغفور اوده تصنيف نواب محمد محتشم خان بهادر خلف نواب محبت خان مرحوم حسب الارشاد و احب الانقياد کرنيل صاحب خداوند کرنيل وليم رائل صاحب بهادر به خط نا درست بنده كيشو پرشاد متصدى بتاريخ دويم ماه مى 1839 عيسوى.

3. نسخه موزه بریتانیا در انگلیس. این نسخه از روی نسخه علیگر استنساخ شده و به شماره 4840 در موزه بریتانیا نگهداری می شود. نسخه به خط نستعلیق خوش و سالم بوده و 149 برگ و 13 سطر دارد. انجامه نسخه نیز از روی نسخه علیگر نقل شده و اطلاعات بیشتری به دست خواننده نمی دهد.

آغاز: بسملة. الحمد لله الملك القديم المنان الكريم الرؤف الرحيم. هو الاول و الآخر.. بعد هذا مىگوید فقير حقير اضعف العباد الله القوى الاكبر محمد محتشم خان بن نواب محبت خان بهادر شهباز جنگ خلف الصدق حافظ الملك حافظ رحمت خان بهادر نصير جنگ والى ملك كتهير كه چون مدت ايام جوانى در لهو و لعب و كامرانى گذرانيد.

انجام: بر تخت سلطنت نمودند و نعل آن پادشاه مغفور به کمال بی سامانی که فسادت قلبی جمهور توان فهمید به کربلای نو تعمیر مکارم نگر مدفون گردید.

انجامه: تمام شد کار من نظام شد بتاریخ بستم شهر ذیقعه سنه 1253 هجری مطابق سنه 1235 فصلی متی ها کن بدی مستمی یوم چهارشنبه بوقت چهارکهری روز برآمده باتمام رسید کتاب تواریخ عهد خجسته مهد حضرت نصرالدین حیدر بادشاه مغفور تصنیف نواب محتشم خان بهادر حسب الارشادواجب الانقیاد کرنبل ولیم رایتس صاحب بهادر بخط نادرست بنده کیشو پرشاد متصدی بتاریخ دوازدهم فروری سنه 1839 عیسوی.

4. نسخه دانشگاه مولانا آزاد علیگره: این نسخه هم تلخیص تاریخ محتشم است و در بخش نسخ کتابخانه مزبور تحت شماره 27، نگهداری می شود. نسخه به خط نستعلیق و کاملاً خوانا نیست، بعضی از صفحاتش بخاطر کرم خوردگی افتادگی متن دارد. این نسخه 95 برگ و 15 سطر دارد. نسخه سالم است و رکابه نیز دارد.

آغاز: الحمد لله الملك القديم المنان الکریم الروف الرحیم، هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو به کل شی علیم، والصلوات علی خیر خلقه محمدن الموصوف باوصاف لولاک لما خلقت الافلاک و انک علی خلق عظیم و علی الله الطیبین و اصحابه الصدیقین المخلصین بحلل الرضا و بحلل الرضا والتسليم بعد هذا می گوید فقیر حقیر اضعف العباد الله القوی الاکبر محمد محتشم خان ابن نواب محبت خان..

انجام: و نعل آن پادشاه مغفور به گمان بی سامانی که فسادت قلبی جمهور لوان فهمید کربلای نو تعمیر مکارم نگر مدفون گردید فقط تمام شد کار شد نظام شد.

نتیجه گیری

در آغاز به این امر پرداختیم که در هند در زمینه تاریخ نگاری چه تاریخهای منطقه و چه تاریخهای حکومتی مرکزی به تعداد زیادی کتابها نگاشته شد. اکثراً توجه ویرایشگران و

دانشمندان در دوران تصحیح متون تاریخی، به تاریخهای مربوط به دودمانهای حاکم در مرکز بوده و تعداد زیادی از نسخ مربوط به سلسله های حاکم در مناطق مختلف کشور پهناور هند هنوز هم دست نخورده و چشم به راه دانش دوستان و پژوهشگران رشته های تاریخ و ادب است. بنده امیدوارم که کار در دست گامی در همین راستا باشد. در مورد تاریخ منطقه اوده کتابهای زیادی نوشته شده اما بیشتر این تاریخها عمومی و کلی است. در عین حال تعداد کمی از تاریخ نگاران تنها یک حاکم و فرمانروا روا را عنوان نگارشات ساخته و اطلاعات مفصل و جزئی را نیز در دست ما قرار داده اند. محتشم خان نیز جزو همین گروه از تاریخ نگاران است. اگرچه او نیز کتاب خود را با حاکمان پیشین شروع می کند اما بخش عمده کتابش احوال و وقایع نصیر الدین حیدر است. در باره تاریخ دوران نصیر الدین حیدر تنها چهار اثر معاصر وجود دارد که تنها به این دوره مختص است از بین این تاریخها، سبطان التواریخ و قیصر التواریخ هنوز بصورت نسخ خطی اند و تنها تاریخ شاهیه نیشاپوریه تصحیح و چاپ شده است. لذا می توان بعنوان نتیجه گیری ادعا نمود که تصحیح این متن نه تنها یک متن مستند و مهم تاریخی را به خوانندگان عرضه می کند بلکه یک اکتشاف از رویدادهای مهم دوره نصیر الدین حیدر نیز به حساب خواهد آمد.

این اثر مفصل ترین و جامع ترین نگارش تاریخی در باب مسائل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره است. در مواردی که تاریخ نگاران دیگر فقط به عناوین پیشامدات و وقایع مهم اکتفا می کنند محتشم خان به تک تک جزئیات پرداخته و صحنه را در برابر چشم خواننده مجسم می سازد. نا گفته نماند که به جزئیات پردازی مصنف در دوران وقایع در مواردی بیش از حد بوده و برای خواننده خستگی را ببار می آورد.

References

Mohammad Mohtashim, K. *Tareekh-e-Mohtashim*. Khuda Baksh oriental library Patna.

Cite this article:

An introduction to the Manuscript: Tareekh-e-Mohtashim

Citation Format: APA

Zunnoorain Haider, A. (2016). An introduction to the Manuscript: Tareekh-e-Mohtashim. *S O C R A T E S*, 4(2), 1-14. Retrieved from

<http://socratesjournal.com/index.php/socrates/article/view/226>

For more citation formats, visit:

<http://socratesjournal.com/index.php/socrates/rt/captureCite/226/0>

Indexing metadata is available online on:

<http://socratesjournal.com/index.php/socrates/rt/metadata/226/0>